

جنگ در چاد

شورای امنیت سازمان ملل متحد روز دوشنبه ۱۳۸۶/۱۱/۱۵ با صدور بیانیه‌ای حمله نظامی شورشیان چاد را برای تصرف پایتخت آن کشور محکوم و از تمام کشورها خواست تا دولت چاد را کمک نمایند.

پس از دو روز جنگ در انجمن، اتحادیه آفریقا با محکوم کردن حمله شورشیان به انجمن، تحرک ماشین دیپلماسی فرانسه در شورای امنیت را فراهم کرد و این شورا بنا بر درخواست پاریس در یک اقدام فوری با صدور بیانیه، اقدامات نظامی شورشیان چادی را علیه دولت قانونی ادریس دبی محکوم و از تمام کشورهای جهان خواهان کمک به دولت چاد گردید. هرچند فرانسه حضور نظامی خود را در چاد به وجود ۲ قرارداد همکاری نظامی و دفاعی سال‌های ۱۹۷۲ و ۱۹۸۶ بین پاریس و انجمن پیوند می‌زند ولی با تجربه تلخی: که در سال ۱۹۹۴ در کشور رواندا به دست آورد، از دخالت مستقیم نظامی بدون حمایت بین‌المللی در چاد خودداری می‌کند. بنابراین صدور بیانیه شورای امنیت راه قانونی را برای دخالت نظامی فرانسه در چاد علیه مخالفان دولت آن کشور هموار می‌کند و وزیر امور خارجه فرانسه را از انجام هرگونه اقدام نظامی علیه دولت چاد بر حذر داشت. برنارد کوشنر

وزیر امور خارجه فرانسه اعلام می‌کند: «امیدواریم مجبور به استفاده از نیروهای نظامی خود در چاد نشویم و قصد نداریم نیروهای نظامی خود را به حالت آماده‌باش بیش از وضعیت فعلی برای شروع عملیات نظامی قرار دهیم هرچند بین نیروهای ما و شورشیان برای حفظ کنترل بر فرودگاه در اطراف آن درگیری و تیراندازی پیش آمده است.»

با وجود اینکه فرانسه بیش از ۱۵۰۰ نیروی نظامی و ۶ فروند هواپیمای میراژ و ادوات نظامی دیگر در چاد دارد، مخالفان دولت چاد در یک اقدام نظامی به قصد سرنگونی ادیس دبی و با طی کردن ۸۰۰ کیلومتر راه وارد انجانما شده و به مدت ۲ روز کاخ ریاست جمهوری این کشور را در محاصره نگه داشتند. با توجه به حجم حمله و تعداد نیروهای شورشیان طبیعتاً در روز سوم می‌باید رژیم ادیس سقوط می‌کرد اما با تصویب بیانیه شورای امنیت و همچنین محکومیت اقدام شورشیان توسط اتحادیه آفریقا و نیز ترس از عدم رسیدن مهمات و نیروی کمکی و فشارهای لیبی به رهبران شورشی به یکباره در روز یکشنبه اقدام به عقب‌نشینی از پایتخت نمودند؛ زیرا با توجه به تغییر وضعیت سیاسی ادامه حضور شورشیان در انجانما می‌توانست علیه خود آنها تمام شود. لذا عقب‌نشینی شورشیان از این شهر یک امر حیاتی برای آنها تلقی گردیده است.

پذیرش صلح

تا قبل از صدور بیانیه شورای امنیت، اختلاف دیدگاه بین وزارت امور خارجه و وزارت دفاع فرانسه بر سر دخالت نظامی آن کشور علیه شورشیان در انجانما، فرانسه را مواجه با مشکل تصمیم‌گیری در وضعیت چاد نموده بود. بنا بر گفته عبدالرحمن غلام‌الله سخنگوی نیروهای ائتلاف شورشیان چادی و با فشارهای دیپلماتیک وارده به آنها از جانب لیبی و

اتحادیه آفریقا، اعلام کرد: «با توجه به رنج و مشقت مردم چاد و نظر به اقدامات مثبت و صلح‌آمیز کشورهای لیبی و بورکینافاسو، نیروهای پایدار ملی موافقت خود را برای یک صلح فوری اعلام می‌کنند».

پذیرش صلح توسط شورشیان در پی محکوم کردن حمله شورشیان توسط شورای امنیت و فشارهای دیپلماسی اتحادیه آفریقا و لیبی و نیز حمایت آمریکا از ادريس دبی و اخطار واشنگتن به خارطوم درباره کمک‌های نظامی به شورشیان و آمادگی دخالت نظامی فرانسه می‌باشد. هفته‌نامه Marches Tropicaux چاپ فرانسه نوشت مقاومت ادريس دبی در مقابل شورشیان در انجانما به دنبال رسیدن نیروهای نظامی چاد از اتحادیه مرکزی آفریقا (FOMUC) و نیروهای چندملیتی جامعه اقتصادی و پولی آفریقای مرکزی (CEMAC) و نیز نیروهایی که می‌باید از گابن از جنوب چاد وارد انجانما می‌شدند حاصل شد.

علل عدم مداخله نیروهای فرانسه

۱. کاخ الیزه در جمعه شب گذشته به ادريس دبی پیشنهاد خارج کردن وی از صحنه جنگ برای نجات جاننش را داد اما رئیس جمهور چاد این پیشنهاد فرانسه را رد کرد. بحران درگیری در انجانما رئیس جمهور فرانسه را وادار به برقراری تشکیل دو جلسه فوری با وزرای خارجه و دفاع این کشور نماید اما درباره تصمیمات این جلسات اطلاعاتی داده نشد و تنها برنارد کوشنر وزیر امور خارجه فرانسه اعلام کرد: «فرانسه خواستار یک آتش‌بس فوری و مذاکرات بین دو جناح است و این سیاستی است که فرانسه دنبال می‌کند».

۲. وزیر دفاع فرانسه هروه مارن، به کانال سه فرانسه اعلام کرده بود «همبستگی نظامی فرانسه با چاد به وسیله قرارداد نظامی است اما کشورم در جنگ انجانما بی‌طرف

می‌باشد». برنارد کوشنر در مصاحبه با کانال دو فرانسه می‌گوید: «من هرگز کلمه بی‌طرفی را در این جنگ به کار نمی‌برم، فرانسه از دولت قانونی چاد حمایت می‌کند و لذا پاریس از میانجیگری اتحادیه آفریقا برای خاموش کردن این جنگ حمایت کامل می‌کند، وجود قرارداد دفاعی سال ۱۹۸۶ برای حفظ تمامیت ارضی چاد بین انجمن و پاریس موجود می‌باشد».

۳. بنا بر گفته سخنگوی کاخ الیزه عدم تمایل فرانسه در دخالت نظامی در درگیری‌های انجمن به خاطر اعتقاد پاریس بر اینکه این جنگ یک جنگ داخلی بین خود چادی‌ها می‌باشد و تعدادی از رهبران شورشی از خانواده ادريس دبی هستند.

۴. گوشمالی ادريس دبی به خاطر اقدام تبلیغاتی منفی علیه NGO فرانسوی متهم به دزدیدن کودکان چادی برای فروش به افراد و یا فروش اعضای بدن آنها در اروپا و نیز پافشاری رئیس جمهور چاد بر محاکمه پسر سروصدای آنها توسط دادگاه انجمن و محکومیت اعضای NGO فرانسه به هشت سال زندان همراه با بیگاری، این در حالی بود که شخص سارگوزی در سفر ضرب‌الاجل خود به انجمن در ماه نوامبر گذشته آزادی‌های آنها را از ادريس دبی خواستار شد اما سارگوزی فقط با دو خبرنگار فرانسوی و خدمه هوایمی اسپانیایی به پاریس بازگشت. محاکمه اتباع فرانسه توسط کشوری مانند چاد برای فرانسه در صحنه بین‌المللی بسیار سنگین بود. این احتمال هم می‌رود اقدام ادريس دبی در تلافی کشته شدن پسر وی در پارکینگ منزلش در پاریس توسط یک گروه ناشناس در تیر ماه گذشته انجام گرفته باشد و پلیس فرانسه مرگ فرزند ادريس دبی را تصفیه حساب باندهای فروشنده مواد مخدر که نامبرده هم عضو آنها بوده اعلام کرد.

۵. پرهیز از خدشه‌دار شدن چهره فرانسه در صحنه بین‌الملل با توجه به تجربه تلخی که از مداخله نظامی آن کشور در رواندا در سال ۱۹۹۴ به دفاع از رئیس‌جمهور مقتول آن کشور برایش حاصل شد، خصوصاً اینکه فرانسه داعیه نجات آوارگان دارفوری و بی‌خانمان چادی را در مرزهای شرق چاد و آفریقای مرکزی دارد. فرانسه به عنوان موتور نیروهای EUFOR براساس تصویب قطعنامه شورای امنیت در سپتامبر ۲۰۰۷ فرانسه مأمور تشکیل نیروی فوق را با کمک کشورهای اروپایی به عهده گرفته است و لذا از ۳۷۰۰ نیرو و ۱۴۰۰ نفر آن از نظامیان فرانسوی تشکیل شده است و می‌باید در اول فوریه امسال در مرز مشترک چاد، سودان و آفریقای مرکزی مستقر می‌شدند اما با درگیری نظامی در انجانما استقرار آن به تعویق افتاد.

سیاست فرانسه در آفریقا

به نظر می‌آید روابط فرانسه با آفریقا برخاسته از دیدگاه‌های رؤسای جمهور این کشور در ادوار مختلف بوده و امروز هم ادامه دارد. مسائل چاد سارکوزی را با مشکل تصمیم‌گیری روبه‌رو کرد زیرا در فوریه ۲۰۰۷ سارکوزی در هنگام ارائه سیاست آفریقایی خود گفت بود فرانسه باید از دو مهلکه در آفریقا دوری کند و نباید در موقعیتی قرار گیرد که اجباراً به یک از دو راه منفی ذیل در این قاره دست بزند:

۱. عدم دخالت نظامی فرانسه، در این صورت پاریس توسط کشورهای آفریقایی متهم به رها کردن دوستان خود و دولت‌های قانونی در آفریقا خواهد شد.
۲. دخالت نظامیان فرانسه در این قاره در مواقع لازم، در این صورت پاریس متهم به دخالت در امور داخلی دولت‌ها در آفریقا خواهد شد.

بنابراین سارکوزی معتقد است اقدامات نظامی فرانسه در آفریقا نیازمند به یک محمل قانونی و بین‌المللی است تا فرانسه بتواند از دولت‌های دوست و مستقل در آفریقا در مقابل شورش و کودتای نظامی حمایت نماید. کسب این نوع مجوزها از شورای امنیت از طریق دوستان پاریس می‌تواند دست فرانسه در آفریقا باز نگهدارد. سفر وزیر دفاع فرانسه به انجانما و اظهار حمایت نظامی فرانسه از دولت چاد یک روز پس از تصویب بیانیه شورای امنیت اتفاق افتاد، هر چند فرانسه از طریق لیبی کمک‌های نظامی را به انجانما رساند. در مقابل هم ادريس دبی اعضای NGO فرانسه را که به هشت سال زندان توسط دادگاه انجانما محکوم شده بودند بخشید.

اقدامات اتحادیه آفریقا و مانور سیاسی پاریس در شورای امنیت سازمان ملل در رابطه با چاد تقویت حضور سیاسی و نظامی فرانسه در آفریقا را فراهم آورد.

نگرانی قدرت‌های استعمارگر از سقوط رژیم ادريس دبی

سقوط رژیم چاد می‌توانست مجموعه منافع فرانسه و آمریکا را در آفریقای مرکزی به مخاطره اندازد. چنانچه رژیم حاکم بر انجانما تغییر می‌کرد، کشورهای فوق نیازمند به سازماندهی مجدد در وضعیت جغرافیای سیاسی در آفریقای مرکزی بودند. هرچند که مشکل در بود و نبود ادريس دبی نیست بلکه مشکل برای قدرت‌های استعماری چگونگی اداره آینده این منطقه در زمان وقوع حادثه است، لذا تحمیل آتش‌بس بر هر دو طرف درگیر بهترین راه و کمترین هزینه را برای آنها خواهد داشت. از طرفی هم وضعیت سیاسی در کشورهای کامرون، آفریقای مرکزی، مانند آتش زیر خاکستر می‌باشند زیرا هرگز درگیری‌های داخلی و مخالفت‌ها علیه رژیم‌های این کشورها پایان نیافته است.

وضعیت در گابن و کنگوی برازاویل نیز بهتر از دو کشور فوق نمی‌باشد خصوصاً اینکه مخالفان سیاسی بالقوه‌ای در برازاویل و لیبرویل در مقابل عمر بنگو و ساسانگسو ایستاده است. مردم این کشورها با وجود منافع عظیم زیرزمینی و نفت در نهایت فقر و فلاکت به سر می‌برند.

اهداف سودان در تغییر رژیم انجامنا

طبیعتاً به قدرت رسیدن ادریس دبی در چاد در سال ۱۹۹۰ با همراهی دولت سودان به وقوع پیوست و انتظار سودان از چاد به منظور همراهی در خنثی کردن توطئه‌های کشورهای غربی در مرزهای مشترک دو کشور بود. اما تغییر رفتار ادریس دبی و همراهی آن کشور با فرانسه، دستکاری قانون اساسی برای حضور نامحدود خود در انتخابات ریاست جمهوری و ایجاد یک سیستم فاسد و خفقان‌آور نقطه آغاز بی‌اعتمادی بین خارطوم و انجامنا را رقم می‌زند و این فرصت مناسبی برای دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای برای دخالت در امور کشورهای منطقه فراهم آورده است. تشکیل گروه‌های مخالف ادریس دبی در خاک سودان و نیز فراهم کردن پذیرش گروه‌های مخالف حکومت مرکزی سودان در خاک چاد، سبب درگیری‌های نظامی را فراهم آورده. ابتدا این درگیری‌ها در مرزهای مشترک دو کشور به وقوع پیوست و زمینه آواره شدن صدها هزار مردم دو کشور و غائله دارفور را فراهم آورد و فرصتی شد که قدرت‌های بزرگ از طریق شورای امنیت اعزام چندین هزار نیروی غربی را به دارفور و مرزهای مشترک چاد، سودان و آفریقای مرکزی به تصویب رسانند.

سودان معتقد است که مشکلات در دارفور مشکلاتی است که کشورهای غربی با

حمایت از رژیم ادريس دبی و نیز حمایت از گروه‌های معارض سودانی و چادی به وجود آورده‌اند و با استقرار خصوصاً نیروهای غربی در دارفور مخالف است، لذا سودان در این اندیشه بود که قبل از استقرار نیروهای اروپایی (EUFOR) در مرزهای شرقی چاد و آفریقای مرکزی، رژیم حاکم بر انجمن را تغییر و افراد خود را در آنجا حاکم کند. مشکلی از طریق چاد حداقل برای مدتی نداشته باشد و چنانچه خارطوم توانایی تغییر رژیم در انجمن را پیدا می‌کرد، می‌توانست با استقرار نیروهای EUFOR در مرزهای چاد مخالفت کند و فشارهای وارده بر خود را با انجمن تقسیم کند و نیز تا مدت‌ها استقرار نیروهای سازمان ملل را در دارفور به تأخیر و یا مسئله را کاملاً پاک نماید.

در هر حال سودان دست به آزمایش خطرناکی زد و در این قضیه بازنده شد و آثار منفی آن حداقل در کوتاه می‌تواند بر روابط سودان و کشورهای منطقه نمایان گردد.

نقش لیبی

نظر به رقابت سودان و لیبی بر سر توسعه نفوذ بر منطقه شمال و صحرای آفریقا، از یک طرف و داعیه اسلام‌گرایی سودان در منطقه و از طرف دیگر روابط تنگاتنگ لیبی و فرانسه در مسائل مختلف آفریقا، لیبی با دخالت مستقیم و آوردن فشارهای سیاسی بر رهبران شورشیان چادی برای پذیرش صلح و نیز ارسال مهمات و گلوله برای تانک‌های T-55 چاد بنابر درخواست فرانسه مانع سقوط ادريس دبی گردید و بار دیگر روابط خاص طرابلس و پاریس را نشان می‌دهد. لیبی در مسائلی مانند توطئه کشته شدن تومان سانکارا رئیس جمهور بوركینافاسو، چرخش مثبت در روابط آن کشور با جهان غرب خصوصاً آمریکا و فرانسه، تحویل پرستاران بلغاری به فرانسوی‌ها، جمع‌آوری مرکز اتمی و

غنی‌سازی، سفر قذافی به پاریس و چند کشور اروپایی به‌طور مستقل تصمیم گرفت و عمل کرد.

روابط جمهوری اسلامی ایران با چاد

با توجه به تثبیت مجدد رژیم ادیسی دبی در انجمن و ابراز خوشحالی از رها کردن درگیری‌های نظامی بین گروه‌های مختلف چادی با دولت آن کشور و انتخاب راه مذاکره برای حل مشکلات خود، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در قالب همکاری‌های اقتصادی و فرهنگی با آن کشور همکاری نماید. چاد با داشتن منابع قابل توجه زیرزمینی و نفت و مسلمان بودن اکثریت مردم این کشور و با توجه به جغرافیای سیاسی منطقه اهمیت دارد. حضور جمهوری اسلامی ایران پس از آرامش در این کشور می‌تواند برای هر دو ملت مفید باشد، با حضور در چاد می‌توان روابط اقتصادی با دو کشور آفریقای مرکزی و کامرون را توسعه داد.

اهمیت روابط با این کشور فقط می‌تواند در فعالیت‌های اقتصادی، بهداشتی و

فرهنگی جلوه نماید.